

نقد و تحلیل نظریه رؤیاینگاری قرآن و وحی از دیدگاه عبدالکریم سروش و پیامدهای آن بر حوزه‌ی مطالعات بیداری سیاسی مسلمانان

محمدجعفر آراین نژاد^۱
علی اصغر داوودی (نویسنده مسئول)^۲
سعید گازرانی^۳


چکیده


طرح «ایده رؤیای‌های رسولانه» توسط عبدالکریم سروش موجب مناقشاتی در جامعه علمی شده است. این ایده آثار و تبعاتی در حوزه‌های مطالعاتی مختلف از جمله مطالعات بیداری اسلامی دارد. نوشتار حاضر به پیامدهای آن بر حوزه مطالعات بیداری اسلامی می‌پردازد. (مسئله) مقاله حاضر با روش تحلیلی انتقادی مبتنی بر آیات قرآن کریم به بررسی این ایده مطرح‌شده می‌پردازد (روش). از آنجایی که اندیشه سروش در پی نفی اعجاز بیانی قرآن و قداست‌زدایی از این کتاب مقدس است، مقدمات و فرضیات اندیشه وی با دلالت‌های معتبر و مستدل قرآنی قابل نقد است. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه ممکن است نظریات سروش اثراتی مانند عرفی‌سازی دینی و نشر عقلانیت مدرن در جهت تقدس‌زدایی از دین و کتاب مقدس را داشته باشد، ولی قرآن به‌عنوان منادی حقیقی بیداری اسلامی همواره مسلمانان را در جهت صحیح هدایت کرده و از انحراف مصون می‌دارد (یافته‌ها)

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نظریه رؤیاینگاری وحی؛ عبدالکریم سروش؛ مطالعات بیداری اسلامی، نقد رؤیای رسولانه

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی در اسلام، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

mohamad_arianezhad2@yahoo.com  <https://orcid.org/0000-0002-5777-9962>

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
adavoudi@mshdiau.ac.ir  <https://orcid.org/0000-0002-8384-5302>

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
gazerani2014political@gmail.com  <https://orcid.org/0000-0003-1166-5449>

مقدمه

در جامعه اسلامی کتاب خداوند مبنای تفکر و اساس سامان بخشی زندگی اجتماعی است. این اعتقاد وجود دارد که وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده و سیر تعالی و راه درست زندگی را مشخص نموده است. مسلمانان نص قرآن را اساس تعقل سیاسی قرار داده و آن را به عنوان مبنای اندیشه و رزی سیاسی و هویت بخشی زندگی در رأس امور قرار داده اند. مسلمانان با تعالیم دین و دریافت احکام اسلام مطابق با آیات قرآن در مقابل ظلم، فساد، استبداد و استعمار ایستاده اند. نمونه بارز این مسئله پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با رهبری امام خمینی بود. در مراحل بعد بیداری اسلامی به سایر سرزمین هایی که با ظلم و استبداد مبارزه می کردند با تاسی از انقلاب اسلامی در ایران اشاعه پیدا کرد. به ویژه در کشورهای عرب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱ به بعد شاهد نوعی خیزش اسلامی بودیم. مسئله اساسی این است که مسلمانان کمال مطلوب خود را در زندگی سیاسی و اجتماعی از احکام الهی که به صورت کتاب مقدس و آسمانی قرآن درآمده است دریافت می کنند. ولی عده ای از اندیشمندان اسلامی که از نظریات غربی متأثر هستند نظریاتی در باب وحی و چگونگی نزول آن مطرح کرده اند که با اندیشه رایج مسلمانان در این زمینه متفاوت است. عبدالکریم سروش از جمله افرادی است که نگاه خاصی به مسئله وحی و نزول قرآن دارد. وی در سیر آراء و اندیشه های خود به این مرحله اشاره می کند که اعتقاد به رؤیاینگاری خواب پیدا کرده است. برای وی مسئله این بوده است که آیا قرآن با همین الفاظ، ساختار و ترکیبات کلامی و محتوایش از سوی خداوند بر پیامبر نازل گردیده، یا آن که قرآن محصول نوعی مواجه روحانی است که در بیداری و یا در عالم رؤیا برای شخص پیامبر پدید آمده و طی آن حقایقی بر آن حضرت مکشوف گردیده و آنگاه توسط ایشان در قالب الفاظ و ساختار عربی موجود درآمده و بر مردمان عرضه گردیده است؟ سروش معتقد است پیامبر معنا را از عالم ماورایی دریافت کرده، اما وحی محصول مکاشفات پیامبر بوده و جنبه رؤیایی دارد. بنابراین زبان قرآن انسانی و بشری است. به این دلیل که رویکرد غالب به وحی، قرآن را کلمات مستقیم خداوند می شمارد که توسط فرشته وحی بر پیامبر القا می شود و نظریه سروش با اندیشه اکثریت قاطع مسلمانان در تضاد است، این اندیشه جای تأمل و نقد دارد. به منظور بررسی انتقادی این نظریه، سؤال این است که مهم ترین وجوه نقد نظریه رؤیاینگاری وحی سروش چه می باشند؟ اهمیت این مسئله از آن روست که حل و فصل و ارائه پاسخ نهایی به آن، آثار و نتایج

گسترده‌ای در چگونگی بیداری و مواجهه مسلمانان با قرآن و عرضه مسائل معرفتی، معیشتی و رفتاری خود بر آیات قرآن و دریافت پاسخ‌های مناسب و راهگشا برای حرکت مطمئن در مسیر کمال، در پی خواهد داشت. هدف افرادی مانند سروش تقدس‌زدایی از قرآن و عرفی و بشری ساختن دین است. در مقابل هدف قرآن بیداری انسان‌هاست و بدون شک بیداری مسلمان‌ها و اتحاد آن‌ها در مقابل دشمنان اسلام، ظلم، استبداد و انحراف افرادی مثل سروش هدف دیگری است. در این راستا همواره اندیشمندان و مصلحان مسلمان با اتکا بر قرآن و با حمایت آحاد مسلمانان در مقابل ظلم، فساد، استبداد و انحراف به مبارزه برخاسته و در این مسیر با هدایت قرآن و تعالیم الهی همواره سربلند بوده‌اند. روش پژوهش حاضر تحلیلی - انتقادی است و جمع‌آوری داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱. تقریر نظریه رؤیاینگاری وحی

در زمینه وحی و چگونگی آن دو نظریه وجود دارد.

۱-۱. نظریه وحیانی بودن قرآن

نظریه اول، وحیانی بودن الفاظ قرآن است. مدعای اصلی این نظریه آن است که وحی نازل شده بر پیامبر اسلام مجموعه‌ای از معارف، آموزه‌ها، پیام‌ها و دستورالعمل‌های اعتقادی، معرفتی و رفتاری است که در قالب الفاظ، کلمات و ساختار و ترکیبات کلامی و به زبان عربی از سوی خداوند بر پیامبر نازل، و توسط ایشان بدون هیچ تغییری بر مردمان عرضه گردیده و جبرئیل و پیامبر (ص) فقط واسطه در ابلاغ پیام الهی به انسان بوده‌اند. سیوطی با تأکید بر این دیدگاه ادله‌ای همچون معجزه بودن الفاظ و معانی و توانایی نداشتن برای همانند آوردن را اقامه کرده است (شفیعی، ۱۳۸۸: ۹۹). این نظریه مورد قبول بسیاری از اندیشمندان اسلامی است. به‌عنوان مثال علامه طباطبائی در این خصوص می‌گوید: «عقیده عموم مسلمانان درباره وحی قرآن این است که قرآن مجید به لفظ خود سخن خداست که به‌وسیله یکی از مقربین ملائکه که موجوداتی آسمانی هستند به پیغمبر (ص) فرستاده شده است. نام این فرشته جبرئیل و روح الامین است و به پیامبر اکرم (ص) مأموریت داده شد که لفظ آن آیات را بر مردم بخواند» (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۷۲).

۱-۲. رؤیایانگاری قرآن و وحی

نظریه دوم، دیدگاه رؤیایانگاری قرآن و وحی است. طبق این نظر، سروش پیامبر را در جایگاه یک راوی می‌نشانند و روشی که برای تفسیر وحی ارائه می‌دهد تعبیرگرایی است، که به‌زعم سروش می‌تواند تمام ضعف‌های روش‌های قبل مانند ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی در تاریخ اسلام را حل نماید (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰).

۱-۲-۱. تقریر نظریه رؤیایانگاری قرآن در شش مرحله

سروش برای اثبات مدعیات خود بنا بر یک شرح و تفصیل، شش مرحله را مطرح می‌کند. مراحل استدلال سروش در تبیین نظریه خود بدین قرار است:

۱. سروش قرآن و وحی را محصول مکاشفات و تجربه دینی پیامبر می‌داند. لذا محمد (ص) به‌عنوان پیامبر، در مقام وحی، مشاهدات و مکاشفات شخصی خود را بیان می‌کند.

۲. آن چه محمد (ص) مشاهده کرده است در خواب و حالتی رؤیایی بوده است.

۳. اگر وحی و مشاهدات، محصول رؤیایانگاری پیامبر باشد، پس الزاماً زبان وحی نیز باید رؤیایگونه باشد.

۴. اگر زبان وحی را رؤیایی بپنداریم، در این صورت، مجاز، کنایه و استعاره در آنجایی ندارد و زبان آن حقیقی است. پس پیامبر مشاهدات خود در قالب رؤیا و با زبان حقیقی برای مردم گزارش می‌نماید.

۵. اگر با متنی مواجه شدیم که رؤیایی بوده و زبانش حقیقی باشد، روش فهم آن تعبیرگرایی است.

۶. ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی قدرت کافی برای تفسیر و تحلیل آیاتی با ظاهر یکسان، پریشان و نابسامان را ندارند. به همین جهت برای درک و فهم متن قرآن بایستی به تعبیرگرایی روی آورد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱). در ذیل این مقدمات موردبررسی قرار می‌گیرند.

۲. بررسی و نقد مقدمات نظریه رؤیاینگاری وحی

۱-۲. مقدمه اول: وحی به مثابه تجربه دینی و نقد آن

سروش لفظ تجربه دینی^۱ را در معنایی عام که عبارت است از «مواجهه با امر مطلق و متعالی» (سروش، ۱۳۷۷: ۷)، به کار می‌برد. به نظر سروش، وحی محصول مکاشفات و تجربه دینی پیامبر است. لذا پیامبر (ص)، در مقام وحی، مشاهدات و مکاشفات خود را بیان می‌کند. وی وحی را کشفی ناقص و تدریجی می‌داند که اگر پیامبر عمر بیشتری می‌یافت، وحی و قرآن فربه‌ی و تکامل بیشتری پیدا می‌کرد. سروش در این باره می‌نویسد:

«قرآن مستقیماً و بی‌واسطه، تألیف و تجربه و جوشش و رویش جان محمد و زبان و بیان اوست. محمدی که تاریخی است و در صراط تکامل است و پایه‌پای زمان پیامبرتر می‌شود... و اگر عمر بیشتری می‌یافت و غواصی را نیکوتر می‌آموخت، ای بسا که از دریای حقایق، گوهرهای گران‌تر صید می‌نمود و قرآن را فربه‌تر و جهان را توانگرتر می‌کرد» (سروش، ۱۳۹۷: ۸۶).

بنابراین سروش معتقد است: «پیامبر تدریجاً عالم‌تر می‌شد، هم متقین‌تر، هم ثابت‌قدم‌تر، هم شکفته‌تر، هم مجرب‌تر و در یک کلام پیامبرتر» (سروش، ۱۳۸۳: ۱۹). بنابراین زیربنای نظریه رؤیاینگاری قرآن تأکید بر نقش روایتگر پیامبر است (نجاتی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). از نظر سروش، پیامبر راوی است و روایتگر مناظری است که خود دیده و میان ناظر راوی و مخاطب خبر تفاوت بسیار است. کلام سروش در این باب چنین است: «محمد راوی است، یعنی مخاطب و مخبر نیست. چنین نیست که مخاطب آوایی قرار گرفته باشد و در گوش باطنش سخنانی را خوانده باشند و فرمان به ابلاغ آن داده باشند. بل محمد روایتگر تجارب و ناظر مناظری است که خود دیده است و فرقی عظیم است میان ناظر راوی و مخاطب خبر» (سروش، ۱۳۹۷: ۸۷).

اولین مسئله در این باب در مورد قداست‌زدایی از قرآن و همچنین نفی اعجاز بیانی این کتاب آسمانی است: مسلمانان همیشه برای الفاظ و واژه‌های قرآن قداست خاصی قائل بوده‌اند. بشری دانستن الفاظ قرآن این ارزش و قداست را از بین می‌برد و الفاظ و کلمات قرآن را در سطح الفاظ و کلمات سایر کتاب‌ها و نوشته‌ها قرار می‌دهد. همچنین با نگرش بشری به الفاظ قرآن،

1. religious experience

اعجاز بیانی آن نیز منتفی خواهد بود (شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). مسئله دیگر این است که اگر وحی محصول تجربه دینی پیامبر و محصول مکاشفات ایشان است، چگونه خود پیامبر مورد خطاب قرار گرفته است؟ مورد خطاب گرفتن پیامبر به این معنی است که فرد دیگری ایشان را خطاب قرار داده است. بیش از ۳۰۰ بار در قرآن کلمه «قل» به کار رفته است که در بیشتر آن‌ها مشهود است که مخاطب شخص پیامبر است. در بسیاری از آیات منادی با خطاب «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» و ... حضرت را ندا می‌دهد و در بسیاری دیگر حرف «ک» و «انت» و ضمیر مستمر افعال، حضرتش را خطاب می‌کند. لذا می‌فهمیم امر کننده و ندا دهنده و خطاب کننده‌ای در قرآن هست که باید او را بیابیم. حال آنکه وقتی به آیاتی می‌نگریم که خداوند در آن‌ها گوینده است، می‌فهمیم که آن امر و منادی و مخاطب خداوند بوده است. به‌عنوان نمونه چند مورد مثال آورده می‌شود:

۱. هنگامی که بندگام از تو درباره من سؤال کردند {به آن‌ها بگو:} من نزدیک هستم و دعوت دعاکنندگان را، هنگامی که مرا می‌خوانند، اجابت می‌کنم (بقره، ۱۸۶)،
۲. به بندگام اعلام کن که همانا منم آن آمرزنده مهربان (حجر، ۴۹)،
۳. همانا به تو وحی کردیم، همان‌گونه که به نوح و ... وحی کردیم (نساء، ۱۶۳) (ساجدی و ساجدی، ۱۳۹۴: ۳۷).

اگر کسی در قرآن کریم مطالعه‌ای داشته باشد احساس می‌کند خطاب‌های خداوند به پیامبر (ص) انواع مختلف دارد: گاهی خداوند پیامبر خود را هشدار می‌دهد، یا ایشان را انذار می‌کند، یا گاهی حتی پیامبر را توبیخ می‌کند یا گاهی تعریف و تمجید می‌کند. این‌ها همه نشان می‌دهد که گوینده این عبارات با شخص پیامبر (ص) متفاوت است. آنجایی که قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)، یا می‌فرماید «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.» (آل عمران، ۱۵۹)، یا تعبیرات دیگری که در قرآن رسیده است، نشان می‌دهد کس دیگری هست که با پیامبر (ص) صحبت می‌کند (ایازی، ۱۳۹۲: ۱).

همچنین می‌توان گفت از واژه‌های بسیار متعارف قرآن که با مشتقاتش نزدیک به ۳۰۰ بار در این کتاب تکرار شده، «نزول» و «تنزیل» است، نزول قرآن به معنای پایین آوردن سطح پیام پروردگار جهان، در حدّ درک و فهم بشری و گیرنده‌های حواس اوست، مکانیسم نزول این

حقایق در «شب قدر» را قرآن به زبانی سر بسته و رمزگشوده، که حقیقت آن به مصداق «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، برای شخص پیامبر هم پوشیده بود، در سوره‌های قدر و دُخان بیان کرده است. از مفاد این دو سوره و از اجماع مسلمانان می‌توان فهمید خداوند حقایقی را که به تدریج مکتوب و مدوّن شد، مستقل از تأثیرگذاری ظرف ذهنی حامل و گیرنده (فرشته واسطه وحی و پیامبر) به‌طور خالص برای هدایت بشریت نازل کرده است (قیامه، ۱۶، طه، ۱۱۴ و جن، ۲۷ و ۲۸)، اصرار قرآن بر این است که آن حقایق را خدا بر زبان پیامبر میسر و جاری کرده است، نه آن‌که تلقی و برداشت او چنان بوده باشد (مریم، ۹۷ و دخان، ۵۸). حال آنکه سروش، این امر را در حدّ برداشت‌های ذهنی یک انسان، هر چند بیدار دل، با تمام ویژگی‌های محدود بشری، که پیام را در قالب ظرف ذهنی خویش فهمیده است، پایین می‌آورد (بازرگان، ۱۳۹۵: ۳).

همچنین هیچ‌کس بهتر از خود پیامبر نمی‌تواند در مورد سرشت وحی اظهار نظر کند. بنابراین باید به مطالب خود حضرت هم توجه کنیم. ایشان وحی را کلامی مختص خداوند می‌دانند و هیچ‌گاه اشاره‌ای به کشف یا مشاهدات شخصی نکرده‌اند. در اینجا بد نیست که به روایت ولید بن مغیره اشاره کنیم هنگامی که برای تمسخر و استهزا به نزد پیامبر آمد و گفت: «ای محمد از این شعرت برای ما نیز بسرا»، حضرت محمد در جواب فرمودند: «این شعر نیست، بلکه کلام خدای سبحان و تعالی است که به فرستادن آن از طریق وحی کردن آن بر ملائکه و سپس انبیاش راضی شده است» (ساجدی و ساجدی، ۱۳۹۴: ۳۸).

۲-۲. مقدمه دوم: رؤیا ظرف مشاهدات و مکاشفات پیامبر و نقد آن

انتقاد بعدی بر نظریه رؤیاانگاری وحی به این موضوع برمی‌گردد که سروش می‌گوید ما حاصل مکاشفات پیامبر در کجا روی داده است و در واقع ظرف مکانی آن کجاست؟ به‌زعم سروش، فضای وحی متناسب با فضای خواب و رؤیا و نمایانگر خواب‌گونه بودن نزول آن است و با عالم بیداری نزدیکی ندارد. لذا به اعتقاد وی:

«وحی را هر چه در نظر بگیریم، به گواه تاریخ و به شهادت مآثرات دینی، فضای بیداری را در ذهن مخاطب متبادر نمی‌کند و در واقع به زبان خاص و رؤیاگونه خود از حقایق سخن می‌گوید. عروض وحی چنان شکل گرفته‌اند که جز در بستر رؤیا قابل تشخیص و تمیز نیست، به‌طوری‌که تمامی موارد و مباحث پیرامون وحی و قرآن جز در رؤیا و حالات مربوط به آن میسر

نخواهد گردید. مگر تجربه دیدن تخت خداوند بر دوش هشت فرشته در بیداری صورت گرفت که زبانش را زبان بیداری بدانیم؟» (سروش، ۱۳۹۲، مقاله دوم).

بنابراین سروش مدعی است که حضرت محمد آنچه را در خواب و رؤیا دیده بیان کرده است. سروش یک دلیل دیگر برای فضای رؤیاگونه وحی و قرآن می آورد و به یکسری چالش های متناقض اشاره می کند، لذا می نویسد:

«به این نمونه ها نگاه کنید: جوانانی که پیر نمی شوند، حوریانی که همیشه باکره می مانند، شراب و نوشیدنی هایی که با خود مستی و سردرد نمی آورد، ... با تمام این عجایبی که مطرح شد باید خطاب شگفت تری را در نظر گرفت که به پیامبر می گوید: تو تیر افکندی، اما تو تیر نیفکندی، بل خدا بود که تیر افکند که در یک جمله تیراندازی محمد را هم نفی و هم اثبات می کند» (سروش، ۱۳۹۲: مقاله سوم).

در نقد این مسئله نیز باید گفت اگر رؤیا پیام الهی باشد، پیام مردمان به خداوند چگونه به او می رسد؟ سؤال و جواب های قرآنی چگونه از طریق رؤیا قابل فهم است؟ زیرا اینجاست که تقدم و تأخر معنا خواهد داشت؛ یعنی در بیداری رسول و شأن نزول. رؤیا نمی تواند پاسخ «شأن نزول» باشد. زیرا در اینجا نخست مردم و مخاطبان وحی چیزی می خواهند یا می پرسند و سپس رسول وحی را دریافت می کند و به ایشان ابلاغ می کند. چنان که در شأن نزول قصه یوسف مثلاً می خوانیم. یهودیان کتاب خود را به سبب قصص آن خاصه قصه یوسف برتر و فاضل تر می خواندند و عمر نزد پیامبر آمد و ماوقع بگفت و پیامبر غمناک شد «جبرئیل بیامد و این سوره بیاورد» که: نحن نقص علیک احسن القصص. یعنی که متن قرآن یا بخش بزرگی از آن حاصل گفت و گویی میان مردمان و خداوند است، چنان که دیگر نص شناسان بر آن تأکید کرده اند. قرآن متنی یک سویه نیست. پیامبر هم در آن صرفاً ابلاغ کننده نیست؛ فرستاده حق است به سوی خلق و فرستاده خلق است به سوی حق. قرآن در نهایت وقتی درونی شد به گفت و گویی میان انسان و خدا ختم می شود و رابطه ای دوسویه است (فَأذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ. أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي) (جامی، ۱۳۹۸: ۷).

همچنین قرآن خود را روایت رؤیا نمی داند و هیچ جا نگفته که روایت رؤیاست. اگر درست باشد که تمامی قرآن روایت رؤیای رسول است چرا در قرآن به آن تصریح نشده است؟ در حالی که از اشاره به محدود موارد رؤیاهای انبیا دریغ نشده است. به عنوان مثال در قضیه قربانی کردن

اسماعیل توسط حضرت ابراهیم، خدای متعال، حضرت ابراهیم را با این عبارت ستوده است: «قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِك نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ» (صافات، ۱۰۵): «آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی) ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم.» (الدَّائِمُ التَّصَدِيقُ: يَكُونُ الَّذِي يُصَدِّقُ قَوْلَهُ بِالْعَمَلِ / تاج العروس) (محدثین، ۱۳۹۵: ۴). بنابراین آیا محمد که به راست‌گویی مشهور بود آگاهانه و از روی قصد یا بنا به مصلحت، حقیقت رؤیا دیدن خود را از مردم پنهان می‌داشت؟ یا آنچه می‌دید و می‌شنید از جنس توهمات شنیداری و دیداری بوده‌اند؟ واکاوی شواهد و ادله سروش نشان می‌دهد وی هیچ موضعی را ذکر نکرده که پیامبر آشکارا به رؤیاهای رسولانه خود در قرآن اذعان کرده باشند. یا به عبارت بهتر چنین موضعی اساساً در قرآن وجود ندارد (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳). بنابراین مشاهدات پیامبر در رؤیا اتفاق نیفتاده، و اگر این‌طور بود می‌بایست حداقل یک‌بار قرآن یا خود پیامبر به این مسئله اشاره می‌کردند.

۲-۳. مقدمه سوم: زبان رؤیایگونه وحی و نقد آن

اگر نزول قرآن و وحی را محصول مکاشفات پیامبر در رؤیا و خواب بدانیم، پس می‌توان زبان وحی را نیز ناگزیر رؤیایی دانست. سروش در این‌باره می‌نویسد: «او پیامبر بود. حقایق را در بستر رؤیا و مکاشفه دریافت می‌کرد و سپس در بیداری آنچه را فراگرفته بود برای بیداران بازگو می‌کرد. زهی مرابت خوابی که به زبیداری است» (سروش، ۱۳۹۲، مقاله اول). سروش در تحلیل و بررسی این مطلب یادآور می‌شود: «اگر پدیداری به نام وحی داریم که محصول حالتی ناهشیار و نامتعارف است، آنگاه باید باور کنیم که زبانش هم نامتعارف است، حتی اگر مشابه زبان ما باشد. و این عین همان باوری است که ما درباره همه خواب‌ها داریم و بی‌تکلف و بی‌تأمل به دنبال خواب‌گزاری می‌رویم» (سروش، ۱۳۹۲: مقاله دوم). سروش برای اثبات رؤیایی بودن زبان وحی به برخی شواهد ساختاری در قرآن از وجود تکرارهای فراوان، نظم پریشان و گسست بین آیات قرآن و نیز وجود برخی امور متناقض در زبان وحی می‌پردازد.

در نقد این مدعا باید گفت که هدف قرآن هدایت و سعادت بشر است (بقره، ۱۸۵)، و این هدف بایان معماگونه و رمزی برآورده نمی‌شود. بر این اساس زبان آن نیز زبانی معماگونه و رمزآلود و رؤیایی نیست، بلکه زبانی همگانی و متناسب با سرشت مشترک یعنی فطرت انسان‌هاست، گرچه درجات فهم و ظرفیت بهره‌مندی انسان‌ها از یکدیگر متفاوت است. بر

این مبنا زبان قرآن زبانی مشترک و عام و جهانی است و با زبان خواب‌گونه و خاص و نیازمند تعبیر سازگار نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۸). و اگر این طور بود نه تنها باهدف هدایتگری آن ناسازگار بود، بلکه برخلاف حکمت نیز بود.

بدین ترتیب، هدف اصلی نزول قرآن، «مردم» (ناس) و پیامبر واسطه‌ای برای ابلاغ بوده است، به او گفته شده: «ما این کتاب را به حق (نه خواب و خیال)، به خاطر مردم بر تو نازل کردیم» (زمر، ۴۱) و این که: «این کتاب (حقیقی) تنزیل یافته از سوی رب العالمین، به واسطه روح الامین (فرشته وحی) بر قلب تو است تا به زبانی آشکار و روان (نه رمزگونه و نمادین) از هشداردهندگان باشی» (شعراء، ۱۹۲) (بازرگان، ۱۳۹۵: ۲).

۴-۲. مقدمه چهارم: زبان رؤیا عاری از مجاز و کنایه و نقد آن

اگر زبان وحی رؤیایی است، در این صورت، بیان آن حقیقی خواهد بود، نه مجازی، کنایی، استعاری یا هرگونه دیگر. لذا پیامبر هر آنچه را که در رؤیا دیده است را با زبان حقیقی برای دیگران گزارش می‌نماید. سروش در این باره می‌گوید: «در زبان رؤیا، مجاز و کنایه راه ندارد، یعنی الفاظ بر غیر معانی حقیقی‌شان حمل نمی‌شوند. گرچه برای فهمیدنشان به کتاب لغت مراجعه نمی‌توان کرد، بلکه باید از شیوه خواب‌گزاری بهره جست. وقتی محمد از گرفتن خورشید و ستارگان، قرآن شنیدن جنیان، سجده فرشتگان بر آدم و بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه، شهاب‌های ثاقب و طرد دیوان، و... سخن می‌گوید، این‌ها عین رؤیاها و مکاشفات اوست. روایتگرش خود اوست و روایتش هم بر سبیل مجاز و نماد نیست، اما فهمش البته محتاج خواب‌گزاری است» (سروش، ۱۳۹۲، مقاله اول).

سروش مدعی است:

«اکثر مفسران جهان اسلام از نوعی خواب‌گزاری در تفاسیر خود بهره می‌برند. در قرآن واژگانی همچون آتش، خورشید، باغ، غضب، آب، تخت، ترازو، کتاب و... نقل شده است که برای آن‌ها تفاسیری همچون آب، آتش و کتاب و ترازو و تعبیری که در بیداری می‌بینیم و می‌شناسیم استفاده شده است، درحالی که پیامبر این مثال‌ها را در رؤیا و در حالتی رمزآلود و رؤیاگونه دیده است. برای مثال مفسران در قرآن خوانده‌اند که: «اذا الشمسُ کُورَت، و اذا النُجُومُ انکَدَرت»

(التکویر، ۱ و ۲). (وقتی که خورشید گرفت و ستارگان تیره شدند...) و چنین معنا کرده‌اند: روزی که همین خورشید که در آسمان است بگیرد و همین ستارگان که در بیداری می‌بینیم تیره شوند و...، یعنی روز قیامت. اما مفسران غافل از معنای خورشید و ستارگان و تعبیر آن در خواب بوده‌اند. چنانکه داستان خواب یوسف در سوره یوسف بر آن گواه است. (سروش، ۱۳۹۷: ۹۶). در نقد این مقدمه باید گفت که این مطلب برفرض رؤیایی بودن وحی و زبان آن متکی است و همان‌طور که بیان شد، این فروض از اساس نادرست است و دلیل و شواهدی برای اثبات آن‌ها وجود ندارد. زبان رؤیا، زبان رمز و تأویل است که برای خود شخص هم مبهم و مشتبه می‌نماید، چه رسد به دیگران، همچنان که رموز ماه و خورشید و یازده ستاره در «رؤیای یوسف»، نه برای او آشکار بود و نه برای پدرش یعقوب، همین قدر دریافتند که باید رمزی الهی در آن رؤیا باشد که تأویل (تحقق) آن در آینده به «مشیت الهی» آشکار گردد، که البته حدود سه دهه بعد تحقق یافت. اگرچه یوسف به تعلیم الهی به تأویل رؤیایها آگاهی یافت، اما صرف‌نظر از چنین استثنائایی، تعلیم او ربطی به ابلاغ رسالت آشکار توحیدی‌اش نداشت. همچنان که رؤیای ابراهیم در ذبح اسماعیل امری شخصی بود. به پیامبر اسلام نیز برحسب قرآن در مواردی اندک، خداوند آگاهی‌هایی در رؤیا القاء کرده بود؛ همچون بازگشت به مسجدالحرام (فتح، ۲۶) یا شجره خبیث (اسراء، ۶۰)، که این استثنائا نیز مستقل از کتاب و رسالت آشکار او بوده است (بازرگان، ۱۳۹۵: ۲).

۵-۲. مقدمه پنجم: تعبیرگرایی روش تحلیلی یک متن رؤیایی و نقد آن

به بیان سروش، یگانه راه مواجهه با متنی که رؤیایی بوده، ولی زبان بیان آن حقیقی است خواب‌گزاری و تعبیرگرایی است. درواقع این رؤیایها نیاز به تعبیر دارند نه تفسیر (ساجدی و ساجدی، ۱۳۹۴: ۳۲). به اعتقاد سروش: «خواب به هر میزان که صریح، شفاف و بی‌پرده در انتقال مفاهیم کمک کند، بازهم یکسری وجوه رمزآلود و مه‌آلود دارد که نیازمند تعبیر است و اینکه زبان آن را معادل بیداری بنامیم اشتباهی بس بزرگ است. این مغالطه که باید آن را مغالطه خواب‌گزارانه نامید، مهلک‌تر از خطای خلط حقیقت و مجاز و استنتاج «باید» از «است» و عظیم‌تر از مغالطه طبیعت‌گرایان است» (سروش، ۱۳۹۷: ۹۵). طبق این دیدگاه، باید به تعبیرگرایی روی آورد و از معبران واقعی که عرفا هستند و از طریق ورود به عالم کشف نبوی

که مخصوص آن‌هاست برای فهم قرآن باید استفاده کرد. بنابراین معبران به شیوه خواب‌گزاری درصدد برداشتن پوسته‌ها و لایحه‌های ظاهری دین و نشان دادن مغز و هسته اصلی آن قدم برمی‌دارند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۶).

در نقد این مقدمه می‌توان گفت که برفرض پذیرش این مقدمات، بازهم این مقدمه دارای اشکال است. به این دلیل که می‌توان متنی را رؤیایی و زبانش را حقیقی دانست، ولی قائل به این بود که این متن نیازمند به تعبیر نیست. به سبب آنکه رؤیاها دودسته هستند: یک دسته شامل رؤیاهای صریح هستند که صاحب رؤیا در آن هیچ تصرفی ندارد و به صورتی واضح می‌شود به معنا و حقیقت آن نائل آمد، و دسته دوم، رؤیاهای غیرصریح که نفس صاحب رؤیا در آن با حکایت و تمثیل تصرف کرده و انتقال به معنای آن نیازمند تعبیر است (طباطبائی، ۱۳۷۱: جلد ۱۱: ۲۷۲). در ادامه باید گفت هنگامی که نفس از راه ارتباط با عالم غیب حقایقی را مشاهده می‌کند، اگر آنچه مشاهده شده بدون تصرف قوه مخیله وارد حافظه شود، در این صورت، حقیقتی که دریافت شده نیاز به تعبیر (در صورت وقوع در خواب) یا تأویل (در صورت وقوع در بیداری) ندارد. ولی اگر قوه مخیله در آن دخل و تصرف کند؛ در این صورت نیازمند تعبیر یا تأویل است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

۶-۲. مقدمه ششم: تعبیرگرایی تنها تئوری کارآمد و نقد آن

سروش در انتهای مدعای خود یگانه راه فهم متن را تعبیرگرایی می‌داند و مدعی است نظریات و رویکردهایی مانند تأویل‌گرایی و ظاهرگرایی توان کافی برای رجوع و پاسخگویی به فهم آیات متشابه و نابسامان و پریشان را ندارند. تعبیرگرایی از پیچیدگی‌ها و تکلف‌های بی‌مورد کمتری نسبت به تئوری‌های رایج (تأویل‌گرایی و ظاهرگرایی) برخوردار است و به همان میزان از سازگاری درونی و فراگیری بیشتری نسبت به نظریه‌های دیگر برخوردار است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۹). سروش درباره فرضیه کم‌تکلف خود می‌نویسد: «بر طبق نظریه رؤیاهای رسولانه حجم عظیمی از مجاز و کنایه از قرآن رخت برمی‌بندد و نیاز به تأویل از میان برداشته می‌شود و عبارات قرآنی را بر معانی ظاهری‌شان باقی می‌گذارد» (سروش، ۱۳۹۷: ۱۰۰). سروش معتقد است نظریه تعبیرگرایی او به دلیل سازگاری درونی و فراگیری بیشتر نسبت به نظریه‌های ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی بهتر می‌تواند آیات متشابه و پارادوکسی کال را تبیین کند.

در این مورد و به‌طور کلی باید گفت فرضیه رؤیای رسولانه از سازگاری درونی برخوردار نیست، بلکه شواهد روایی و دلایل تاریخی زیادی علیه آن وجود دارد که فراگیری آن را دچار اشکال می‌کند و همچنین با روایات زیادی ناسازگار است، به دلیل آنکه در برخی روایات وحی را صریحاً در بیداری دانسته و حتی به‌صورت مشاهده حسی دانسته‌اند؛ مانند مثل جبرائیل به‌صورت دحیه کلبی و از سوی دیگر، با شواهد تاریخی گواهی ناظران عینی ناسازگار است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۰).

۳. نقش قرآن در همسویی فطرت بشری، آگاهی بخشی و بیداری اسلامی

جنبش بیداری اسلامی پدیده‌ای عظیم و فراگیر بوده است که در دو قرن گذشته با فراز و نشیب‌هایی روبرو بوده است. این خیزش اسلامی ابتدا در مناطق جغرافیایی خاصی ظهور یافت، سپس در طول دهه‌های گذشته دامنه آن از شرق آسیا تا جنوب و غرب آفریقا را در بر گرفت. پیش‌قراول این حرکت ابتدا جمعی از علمای دین، نخبگان و اندیشمندان بودند، اما امروزه عموم مسلمانان با رهبری علمای اسلامی در پیشبرد آن نقش دارند (میرخلیلی و ملکوتیان، ۱۳۹۹: ۳۰۸). با مراجعه به تاریخ سیاسی جهان اسلام، نقش دوباره قرآن در تحرک بخشیدن به مبارزان و حفظ تقویت روحیه آن‌ها آشکار می‌گردد و البته در این زمینه نباید از نقش هدایتی قرآن در محو خرافات و شکستن بت‌های اجتماعی و تربیت و آماده کردن مبارزان، غافل بود (زینی و مهری، ۱۳۹۸: ۳۱). در این قسمت ابتدا به تأثیرات قرآن کریم در همسویی فطرت بشری و آگاهی بخشی و بیداری انسان‌ها پرداخته می‌شود، سپس نقش قرآن در بیداری اسلامی مسلمانان تحلیل خواهد شد و در انتها نیز پیامدهای نظریاتی همچون سروش و راهکارهای برون‌رفت از این چالش‌ها نقد و بررسی خواهد گردید.

۳-۱. نقش قرآن در همسویی فطرت بشری و آگاهی بخشی انسان‌ها

باید توجه داشت که فطرت همه انسان‌ها به‌گونه‌ای است که همه در ذات خود به نیکی و درستی گرایش دارند و از بدی و پلیدی بر حذر می‌باشند، ولی این شرایط محیطی است که انسان‌ها را به گمراهی و ضلالت می‌کشاند. بنابراین لازم است تا انسان‌ها با طرقی که خداوند اراده می‌دهد هدایت شوند. قرآن کریم، کتاب هدایت انسان‌هاست که از طرف خداوند بر پیامبر اسلام نازل شده است.

به صورت فطری برای همه افراد اصل این است که پاره‌ای از رفتارها خوب و پسندیده هستند و پاره‌ای بد و قبیح شمرده می‌شوند. اگرچه در مصادیق آن اختلاف نظر باشد. خوب و بد در میان مردم جامعه بشری به معانی متفاوتی به کار می‌رود که یکی از آن‌ها خوب و بد اخلاقی است. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی تبیین علم اخلاق برای دستیابی به اهداف خود مانند استواری، نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره‌ای از امور را به گونه بایدها و نبایدها بر مکلفان خود الزام نموده است. آیات قرآن کریم بیانگر آن است که منشأ الزامات اخلاقی وحی و اراده تشریعی خداوند است (جانپور و لطفی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۰). انسان از نگاه قرآن موجودی است که با موجودات دیگر تفاوت ماهوی دارد. او ذاتش تکاملی است و با تلاش آگاهانه به مراتب آن دست می‌یابد. طریق انسان به سوی هدف عالی و مقصد نهایی، همان نفس انسان است. نفس همان مخلوقی است که انسان از ناحیه آن و به ملاحظه آن محروم و یا رستگار می‌شود و مقصد و هدف نهایی الله است (بابایی، ۱۳۹۴: ۷۱). بنابراین انسان‌هایی که در فطرت و ذات خود نیک‌سرشت هستند و ممکن است دچار لغزش و گمراهی شوند باید از دستورات قرآن به منظور هدایت و سعادت بهره‌مند شوند. لذا اسلام سنت حیات و راه و روشی است که بر انسان واجب است از آن پیروی کند تا سعادتمند شود. انسان نیز مانند دیگر آفریده‌ها فطرتی دارد که او را به سوی تکمیل کمبودها و رفع نیازهایش هدایت می‌کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۷۵).

۲-۳. نقش قرآن در بیداری اسلامی

از منظر قرآن مقصد و هدف تمام نظام هستی خدا است. بدین ترتیب تمام حرکت‌های جامعه اسلامی باید به این سو باشد، در غیر این صورت از هدف واقعی باز خواهد ماند. هدف قرآن بیداری انسان‌هاست و به طور حتم بیداری مسلمانان و اتحاد آن‌ها در مقابل دشمنان اسلام هدفی دیگر است. بیداری اسلامی باید در عمل، کمال‌جویی و خداخواهی خویش را نشان دهد و این نیازمند آن است تا آدمی صفات الهی را در خود متجلی و ظهور ببخشد. هدف از خلافت انسان آن است که بتواند شبیه ارزش‌هایی که در وجود خداوند متجلی است، در وجود خود به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین تحقق ببخشد، یعنی صفات خداوند از عدالت، علم، قدرت، رحمتش بر ضعفا، و انتقامش از جباران و مستکبران و بخشش بی‌انتهایش، این‌ها در رفتار جامعه‌ای که

خلیفه‌الله شده و در اهداف آن باید منعکس شود. از این رو بیداری جوان مسلمان باید شرایط لازم را برای حرکت پیوسته و همیشگی به سوی این هدف مطلق را فراهم سازند (یوسفی و رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۲). این قرآن است که هدایتگر انسان و مسلمانان به سوی این اهداف متعالی است. ولی متأسفانه عده‌ای از مسلمانان دانسته و یا نادانسته، در جهت عکس این مسیر گام برمی‌دارند. عده‌ای از اندیشمندان مسلمان نیز با اندیشه و قلم خود با تفاسیر متفاوت از آنچه هست و باید باشد، مسیر را به گونه‌ای دیگر می‌نمایند. عبدالکریم سروش با نظریات بدیع و خلاف جریان اصلی و با تفاسیر مدرن خود، در جهت خلاف آنچه گفته شد حرکت می‌کند. جریاناتی این چنینی مطمئناً اثرات خود را بر اندیشه و عمل مسلمانان در جهان اسلام خواهد گذاشت که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴. پیامدها و تحلیل نظریه رؤیاینداری سروش بر بیداری مسلمانان

مسئله تحقیق حاضر این است که بیداری اسلامی با چه چالش‌هایی مواجه هست؟ تفسیرهای نوین از قرآن به‌ویژه رؤیاینداری قرآن مسلماً به تقدس‌زدایی از قرآن و نفی جامعیت دستوری و محتوایی این کتاب الهی می‌انجامد و با طرح انتظار حداقلی از دین به نفی سنت‌گرایی، گسترش عقلانیت مدرن، عصری کردن دین و انتقال بشری دین خواهد انجامید. در ادامه به چند مورد از این پیامدها خواهیم پرداخت.

۱-۴. فاصله گرفتن از سنت‌گرایی دینی و گسترش عقلانیت مدرن

از جمله این پیامدها فاصله گرفتن از سنت‌گرایی دینی و گسترش عقلانیت مدرن است. روشنفکرانی مانند سروش رویکرد عقلانیت مدرن را برای پذیرش، اداره و کنترل جامعه ضروری می‌دانند و استفاده از عقلانیت مدرن را برای تفسیر دین امری پیوسته قطعی و ضروری می‌دانند. سروش در این باب به تفاسیری عقل‌پسند اشاره می‌کند و مدعی است هر آنچه در کفه و ترازوی عقل قرار نگیرد باید کنار گذاشته شود و سایر امور در جامعه مدرن زمینه پذیرش ندارند. به همین جهت است که برخی از این نظریه‌پردازان از جایگزینی معنویت به جای دیانت، صحبت به میان می‌آورند. مهم‌ترین پیامد این تفکرات ورود عقلانیت در عرصه دین و بازسازی اندیشه دینی بر مبنای عقلانیت مدرن و یا عقل نقاد خود بنیاد، عرفی‌سازی دین و بسط تفکرات مدرنیته و در

تضاد با دین است. بدین ترتیب دین‌زدایی و دین‌گریزی از دین صورت می‌گیرد. این مسئله با زیر سؤال بردن احکام دین در عصر مدرن و به‌بیان‌دیگر، طرح دین‌منهای فقه، دین اقلی و اکثری، طرح معنویت به‌مثابه‌گوهر ادیان، جوهر و ماهیت دین، دین حقیقی و دین تاریخی، تقابل دین و ایمان مطرح می‌شود که پیام مشترک همه این عبارات متنوع و متکثر این است که فقه و شریعت در دنیای مدرن کنونی هیچ‌گونه تأثیر و کارایی ندارد. بنابراین، ویژگی «تمامیت‌خواهی» و «ابدئولوژی‌گرایی» دین زیر سؤال می‌رود و دین به‌تدریج کارآمدی و کارکردهای اجتماعی خود را از دست می‌دهند و درنهایت به یک دغدغه کاملاً فردی و شخصی و بلکه خصوصی کاهش می‌یابد (فصیحی، ۱۳۸۶: ۴۵).

تحلیل و راهکار: بیداری و خیزش جنبش‌های اسلامی مخصوصاً انقلاب اسلامی ایران در یکی دو دهه اخیر سرمنشأ تحولات عظیمی بود که در حوزه اندیشه‌ای نیز تغییرات آن غیرقابل‌انکار است. یکی از مهم‌ترین دال‌های انقلاب اسلامی عقل‌گرایی است. این گفتمان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسلام شیعی و اجتهاد، برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل است، اما نه عقلانیت مدرنی که مدنظر سروش و امثالهم است، بلکه عقل اجتهادی که با به دست آوردن ملاک‌های مصالح و مفاسد قوانین، نسبت به تغییر احکام شرعی و مقتضیات زمان نظر می‌دهد و با اثبات تغییر ملاک حکمی، حکم نیز دچار تغییر می‌شود. در این دال فقه و شریعت نه تنها کم‌رنگ نمی‌شود، بلکه مبنا و پایه تمامی اصول قرار می‌گیرد. گفتمان انقلاب اسلامی با استمداد از عقل‌گرایی، متغیرها را بر اساس ثبات بررسی و استنباط می‌کند. به همین دلیل در برابر مسائل نوهمچون عرفی‌سازی دین و بسط تفکرات مدرنیته متوقف نمی‌شود و در مسیر حرکت انقلابی و نظامی‌سازی در مواجهه با مسائل مختلف، ملاحظاتی عقلی و مصالح جامعه و مقتضیات زمان را مدنظر می‌دهد (نباتیان، ۱۴۰۰: ۱۳).

۲-۴. عصری کردن دین و عرفی‌سازی دین

یکی دیگر از تأثیرات نظریاتی این‌چنینی عصری کردن دین است. بر این اساس تمام معرفت‌های دینی عصری هستند و با توجه به اوضاع و شرایط عصر خویش پدید آمده‌اند و طبعاً با دگرگونی و قبض و بسطی که در آن شرایط بر اثر تحولات فرهنگی، تاریخی، سیاسی، زبانی و... رخ می‌دهد، آن‌ها هم دچار تغییرات اساسی و شگرفی می‌شوند (عباسی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). عصری

شدن دین ناخواسته و ندانسته به تهی کردن دین از جوهر اصیل خود و قلب ماهیت آن کمک می‌نماید و به دست خود، زمینه‌های عرفی شدن دین را فراهم می‌سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۱۰۸). همچنین با عصری شدن دین، از یکسو به تلاش برای همسوسازی دین با دنیای مدرن و پست‌مدرن می‌پردازد و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا باب ورود قرائت‌های متجددان و نوگرایان را فراهم سازد. بنابراین مسلمانان اعتقاد راسخ و درواقع یقین خود را نسبت به دین و مسائلی مانند وحی و الهی بودن قرآن از دست می‌دهند. ماحصل این امور قطع امید کردن از پشتوانه معرفتی و باورهای دینی است و مادامی که بدان‌ها یقین نداشته باشد بدون تردید در حوزه عمل سست نیز سست خواهند شد (فصیحی، ۱۳۸۶: ۴۹).

تحلیل و راهکار: از زمان خیزش‌ها و انقلاب عربی تا به امروز، نظریات گوناگونی بیان شده‌اند. نظریاتی که در فضای اسلامی و ملی و با فرهنگ واژه‌های دینی به این تحولات نگاه نمی‌کنند، اکثراً با مایه گرفتن از مدرنیته سعی در تأثیر مستقیم بر اندیشه و اعتقادات جوامع مسلمان دارند. در این نظریات غرب‌گرا، غالباً سکولاریسمی نهفته است که قادر نیست جهت‌گیری آسمانی و معنوی مجاهدان مسلمان را فهم کند (مطلبی، ۱۳۹۹: ۹۰-۹۹).

امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین افرادی بوده است که تشکرات و اندیشه ایشان در بیداری اسلامی تأثیرگذار بوده است. ایشان در خصوص چالش‌های عرفی‌سازی و عصری کردن دین معتقدند که فقه سنتی پویایی خود را حفظ کرده است و هیچ‌گاه رنگ و بوی کهنگی به خود نگرفته است. از نظر ایشان زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاداند. از منظر امام، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر، همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. پس در باور امام خمینی به‌عنوان یک متفکر دینی، موضع‌گیری در مقابل سنن کهنه وجود دارد. ایشان معتقدند که دین و فقه ما در مقابل سنن کهنه دست به پالایش و تصحیح می‌زند و چنانچه پیرایه‌های اجتماعی، سیاسی و محیطی با توجه به مقتضیات زمان و مکان تحت معیارهای ناب دینی اصالت و جودی خود را می‌یابند (کشیشیان، ۱۳۹۹: ۲۲۰-۲۶۰).

۳-۴. انتقال بشری دین

از دیگر پیامدهای نظریه رؤیاینگاری وحی را می‌توان مسئله انتقال بشری دین دانست. در این

تفکر دین در مرحله ابلاغ و انتقال خود بشری است و از پیامبر به عنوان ناقل نخستین یاد می‌شود. برای مثال سرورش مدعی است که دین آسمانی در مرحله ابلاغ آن دچار تنزل گردیده است و به ناچار مطابق بافهم بشری و درگیر محصورات زمانی و مکانی خاص قرار شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت اینکه پیام پیامبران با تمام تلاش‌های ایشان برای امانت‌داری و حفظ صحیح و انتقال بدون کم‌وکاست، در مرحله انتقال به شاگردان و معاصرین خویش دچار تحریفات و بدفهمی‌های متعددی شده است که غیرقابل چشم‌پوشی است. لذا آنچه انسان‌ها بعد از پیامبر خود به عنوان دین در اختیار دارند مبتنی بر فهم ناقص بشری است (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۱۱۴). تحلیل و راهکار: یکی دیگر از آسیب‌هایی که در حوزه مطالعات اندیشه‌ای بیداری اسلامی باید به دقت واکاوی در مورد آن صورت بگیرد ظهور اندیشه‌ها و تفکرات ضاله است، همچنان که در این پژوهش نیز اندیشه و نظریات سرورش را به بوته نقد و تحلیل گذاشتیم باید با چنگ زدن به اصل و ریشه اسلام ناب آسیب‌ها و چالش‌های آن را نیز پاسخ دهیم.

قبلاً در تفکر و آراء امثال سلمان رشدی نیز چنین برداشت‌هایی را داشته‌ایم. لذا در پاسخ این شبهات باید گفته شود این قرآن ذکر خداست و از حیث آیات و بیاناتش محکم بوده و به هیچ وجه باطل در آن رخنه نمی‌کند. قرآن هم خودش روشن و واضح است و هم روشن‌کننده معارف و حقایق مرتبط با مبدأ و معاد است. کتابی که نه در عصر نزولش باطلی در آن رخنه کند و نه تا قیامت دیگر کتابی از ناحیه خدای حکیم نازل خواهد شد. پس چطور می‌توان قرآن را بشری دانست و امکان تحریف در آن را پذیرفت در حالی که بعد از هزار و چهارصد سال همچنان نوری است که خاموشی ندارد (مروتی و گراوند، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۰۸). قرآن کریم به عنوان منادی حقیقی بیداری اسلامی، حفظ و برقراری وحدت را در سایه ایجاد بیداری اسلامی می‌داند و از تفرق و جدایی بر حذر می‌دارد. چگونه می‌توان قرآن را دست‌خوش تحریف دانست در حالی که وحدت و یکپارچگی از ابتدا تا انتهای آن قابل مشاهده است.

امام خمینی (ره) بر آن است که حفظ و بقای بیداری اسلامی در سایه وحدت امکان‌پذیر است. ایشان در فتاوا و سخنرانی‌های خویش، شیعه و اهل سنت را به همبستگی و وحدت با یکدیگر دعوت و به مبارزه علیه عوامل تفرقه‌افکن توصیه می‌کنند و از علمای دین خواسته‌اند تا مدام با روشنگری این تفکرات و اندیشه‌های ضاله که باهدف‌های مشخص پدید آمده‌اند را به مردم بشناسانند.

۴-۴. ایجاد جریان‌های افراطی و لیبرال

یکی از آسیب‌ها و چالش‌هایی که تفکرات و اندیشه‌هایی همچون سروش برای جامعه اسلامی ایجاد می‌کند، ایجاد جریان‌های فکری انحرافی، افراطی و لیبرالی است که قدم در جهت نفی کامل بودن دین برمی‌دارند.

استفاده از پوشش مذهب، بهترین روشی است که می‌توان آن را علیه مذهب به کار گرفت. جریان‌های افراطی و انحرافی در اهل سنت و تشیع نیز به دلیل پوشش مذهبی آن‌ها همواره در جهان اسلام ایجاد چالش می‌کنند. تشکیل گروه‌های تندروی موسوم به تکفیری‌های وهابی، بهائیت، انجمن حجتیه و فرقه شیرازی در داخل ایران، عراق و کشورهای منطقه از جمله این اقدامات است. مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر اهداف استکبار برای ایجاد اختلاف مذهبی در جهان اسلام، مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت را که در این راستا قدم برمی‌دارند را عاملین استکبار و عاملین انحراف بیداری اسلامی می‌داند (نوری گلجایی، ۱۳۹۶: ۱۴).

از سوی دیگر عواملی که به صورت بارز بر روند اتحاد و بیداری مسلمانان تأثیر خواهد گذاشت ایجاد جریان‌های لیبرالی همچون سروش هستند که در کنار جریان‌های افراطی قلب جوامع بیدار مسلمان را هدف قرار داده‌اند. طرح و گسترش تفکرات اندیشه‌هایی مانند سروش باعث می‌شود تا با یکسری مطالب مبهم و بی‌اساس به شکل‌گیری جریان‌ها و اندیشه‌های لیبرالی کمک کند تا با گسترش شعارهای لیبرالی همچون آزادی، عدالت، دموکراسی و... بطن و شریان اصلی جوامع بیدار مسلمین را دچار آسیب کند (نوری گلجایی، ۱۳۹۶: ۱۳).

تحلیل و راهکار: اما با مراجعه به تاریخ سیاسی جهان اسلام به‌ویژه در قرن‌های اخیر، در کشورهایی که مسلمانان با جریان‌های انحرافی و افراطی مبارزه داشته‌اند، نقش دوباره قرآن در تحرک بخشیدن و انرژی دادن به مبارزان و حفظ و تقویت روحیه آن‌ها آشکار می‌گردد و البته در این زمینه نباید از نقش هدایتی و اصلاح جهان‌بینی قرآن در محور خرافات و شکستن بت‌های اجتماعی و موهوم و تربیت و آماده کردن مبارزان غافل بود. این قرآن ذکر خداست و از حیث آیات و بیاناتش محکم بوده و به‌هیچ‌وجه باطل در آن رخنه نمی‌کند. یگانه راه مقابله با این جریان‌ها رجوع به اصل قرآن و استفاده از مضامین و مفاهیم قرآنی در جهت مقابله با تفکرات الحادی و لیبرالی است. در انتها نیز باید گفت بیداری اسلامی راهش را آغاز کرده است و اینک

در مسیری قرار گرفته است که خار و خاشاک را از مسیر خود بردارد و زمینه آزادی و دموکراسی واقعی را در کشورهای مختلف فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ملزومات مسئله نبوت، وحی و حقیقت آن است. پیرامون این مسئله شبهات زیادی مطرح شده است. نظریه رؤیایانگاری وحی نبوی سروش نیز یکی از این شبهاتی است که وارد شده است. سروش ذیل دو مقاله خود (محمد (ص)، راوی رؤیاهای رسولانه)، مفهوم وحی نبوی را به گونه‌ای از وحدت و تجربه عرفانی پیامبر تحت عنوان رؤیا تقلیل می‌دهد. بر این اساس وی قرآن را خواب‌نامه‌ای می‌داند که با وجود اتصاف آن به صدق، ماهیتی از جنس خواب‌های بشری دارد. سروش فهم صحیح قرآن را مستلزم گذار از تفسیر به تعبیر دانسته و مدعی است آنچه پیامبر گزارش کرده خوابی است که نیازمند خواب‌گزار است. در بررسی و نقد این نظریه باید گفت فرضیه رؤیای رسولانه در تمامی یا اکثر مقدماتش مخدوش است. می‌توان گفت نه وحی قابل مقایسه با تجربه دینی و عرفانی است و نه اینکه تماماً ظرف آن می‌تواند عالم رؤیا و خواب باشد و بالطبع زبان آن نیز رؤیایی نخواهد بود. این نظریه به جهت فقدان مبانی و ادله و همچنین وجود تعارضات درونی (آیات بخش عمده‌ای از سوره‌ها و آیات قرآن)، که به برخی از آن‌ها اشاره شد، نمی‌تواند نظریه‌ای جدی تلقی شود. به‌طورکلی، بررسی نظریه رؤیاهای رسولانه نمایانگر پیامدها و لوازم متناقض و ناسازگاری است که سهواً یا عمداً در کلام سروش به آن‌ها اشاره نشده است. در مقابل هدف قرآن بیداری انسان‌هاست و بدون شک بیداری مسلمانان و اتحاد آن‌ها در مقابل دشمنان اسلام، در مقابل ظلم و استبداد و در مقابل انحراف افرادی مثل سروش هدف دیگری است. در این راستا همواره مصلحان مسلمان با اتکا بر قرآن و با حمایت آحاد مسلمانان در مقابل ظلم، فساد، استبداد، استکبار و انحراف به مبارزه برخاسته و در این مسیر با هدایت قرآن و تعالیم الهی همواره سربلند بوده‌اند. مسئله اساسی این است که مسلمانان کمال مطلوب خود را در زندگی سیاسی و اجتماعی از احکام الهی که به صورت کتاب مقدس و آسمانی قرآن درآمده است دریافت می‌کنند. ولی عده‌ای از اندیشمندان اسلامی که از نظریات غربی متأثر هستند نظریاتی در باب وحی و چگونگی نزول آن مطرح کرده‌اند که با اندیشه رایج مسلمانان در این زمینه متفاوت و متضاد است. بنابراین می‌بایست این نظریه هرچه بیشتر مورد نقد قرار گرفته

تا ماهیت و بنیان سست آن بر همگان آشکار شود، تا افرادی که در مقام سوءاستفاده از نظریات روشنفکران دینی برمی آیند، به نتایج دلخواه خود دست پیدا نکنند.

منابع

۱. ایازی، محمدعلی، نقد مقاله اخیر سروش در گفتگو با سیدمحمدعلی ایازی، سایت اینترنتی مهر نیوز، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com>.
۲. بابایی، محمدباقر (۱۳۹۷). هدایت و رهبری از دیدگاه قرآن و راهبردهای آن، مدیریت اسلامی، سال بیست و ششم، شماره ۱، صص ۱۰۵-۶۱.
۳. بازرگان، عبدالعلی، ده نکته در نقد نظریه رؤیاهای رسولانه عبدالکریم سروش، سایت اینترنتی بی بی سی فارسی، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian>.
۴. بهشتی، احمد، نجاتی، محمد، قهرمانی فرد، محمدتقی (۱۳۹۴). گذر از تفسیر به تعبیر؛ جواز یا عدم جواز، قیسات، شماره ۷۵، صص ۲۲-۶.
۵. جامی، مهدی، پیامبر و پیغام سروش؛ آیا قرآن را می توان به خواب نامه فروکاست؟، سایت خبری زیتون، قابل دسترسی در: <https://www.zeitoons.com>.
۶. جانیپور، محمد، لطفی، سید مهدی (۱۳۹۴). نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۵۳-۲۸.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). دین شناسی، قم: نشر اسراء.
۸. ربانی گلبایگانی، علی (۱۳۹۱). وحی شناسی، قم: راند.
۹. زینی، هادی، مهری، اصغر (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل پارادایم اساسی قرآن در بیداری اسلامی با تأکید بر نظر قرآن پژوهان معاصر، مطالعات بیداری اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، صص ۵۲-۳۲.
۱۰. ساجدی، ابولفضل، ساجدی، حامد (۱۳۹۴). رؤیانگاری وحی؛ نقدی بر آراء دکتر سروش، معرفت کلامی، سال ششم، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱.
۱۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: صراط.
۱۲. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۳). بسط تجربه نبوی، تهران: صراط.

۱۳. سروش، عبدالکریم (۱۳۹۷). کلام محمد، رؤیای محمد، تهران: صراط.
۱۴. سروش، عبدالکریم، مقالات محمد راوی رؤیاهای رسولانه، مقاله‌های ۱ و ۲، قابل دسترسی در: www.dinonline.com.
۱۵. سروش، عبدالکریم، محمد راوی رؤیاهای رسولانه، مقالات ۱ تا ۴، قابل دسترسی در: www.drSOROUSH.com.
۱۶. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه اسلامی و مسیحی، تهران: بارز.
۱۷. شفیعی، فریده (۱۳۸۸). وحيانیت الفاظ و آموزه‌های قرآن کریم، کتاب نقد، شماره ۴۹، صص ۱۱۹-۹۳.
۱۸. صادقی، هادی، حبیبی سی‌سرا، مرتضی، علمردی محمد مهدی (۱۳۹۶). وحی و رؤیا: بررسی و نقد تئوری رؤیای رسولانه، آیین حکمت، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۵۲-۲۹.
۱۹. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۵). قرآن در اسلام، قم: جامعه مدرسین.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
۲۱. عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳). نواندیشی دینی ماعصر و احیاءگری، سروش اندیشه، شماره ۱۰، صص ۱۳۰-۱۰۶.
۲۲. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۶). روشنفکران دینی و عرفی شدن در سپهر دین، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۳۷، صص ۴۴-۱۱.
۲۳. کشیشیان، گارینه (۱۳۹۹). تأثیرگفتمان امام خمینی بر بیداری اسلامی، مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره ۱، صص ۲۲۰-۲۶۰.
۲۴. گراوند، نجمیه، مروتی، سهراب (۱۳۹۶). مبانی نظری اقتدار در قرآن با رویکردی بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) درباره بیداری اسلامی در ایران، مطالعات بیداری اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۰۶-۱۲۰.
۲۵. محدثین، جواد، نقدی بر نظریه رؤیاهای رسولانه عبدالکریم سروش، سایت اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian>.
۲۶. مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). نظریه بیداری اسلامی و نظریه‌های رقیب استنتاج بهترین تبیین در تحلیل تحولات عربی، مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۹.
۲۷. میرخلیلی، سیدجواد، ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۹). رفتارشناسی سیاسی روحانیت در

- مواجه با چالش‌های بیداری اسلامی: با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره ۱۸، صص ۳۰۷-۳۲۵.
۲۸. نباتیان، محمد اسماعیل (۱۴۰۰). گفتمان انقلاب اسلامی و مواجه با چالش بدیل‌سازی، مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره ۱، صص ۷-۲۹.
۲۹. نجاتی، محمد (۱۳۹۳). رؤیاینگاری وحی، لوازم و پیامدها، عقل و دین، مؤسسه نورالثقلین، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۶۰-۱۲۹.
۳۰. نوری گلجایی، عبدالله (۱۳۹۶). چالش‌های سیاسی بیداری اسلامی در جهان اسلام و راهبردهای تدافعی در مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری، مطالعات بیداری اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱۳-۱۲.
۳۱. یوسفی، محمدرضا، رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲). اهداف بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۲۶-۹.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی